

صلاحیت دادگاه کیفری بین المللی و مقایسه آن با سایر محاکم بین المللی

تالیف:

هدی منشی زاده

انتشارات قانون یار

۱۳۹۶

سرشناسه	: منشی‌زاده، هدی، ۱۳۶۱ -
عنوان و نام پدیدآور	: صلاحیت دادگاه کیفری بین‌المللی و مقایسه آن با سایر محاکم بین‌المللی / تألیف هدی منشی‌زاده.
مشخصات نشر	: تهران: انتشارات قانون یار، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۱۶۸ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۷۷-۶۹-۵
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۱۲۲.
موضوع	: صلاحیت قانونی (حقوق بین‌الملل)
موضوع	: Jurisdiction (International law)
موضوع	: صلاحیت رسیدگی به امور کیفری
موضوع	: Criminal jurisdiction
موضوع	: دادگاه‌های جزایی بین‌المللی
موضوع	: International criminal courts
موضوع	: دادگاه‌های جزایی بین‌المللی -- قوانین و رویه‌ها
موضوع	: International criminal courts -- Rules and practice
رده بندی کنگره	: ۱۲ م ۱۱ / ۴۰۷ / ۱ KZ
رده بندی دیویی	: ۴۱ / ۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۶۳۶ / ۰۳

انتشارات قانون یار

صلاحیت دادگاه کیفری بین‌المللی و مقایسه آن با سایر محاکم بین‌المللی

تألیف: هدی منشی‌زاده

ناشر: قانون یار

ناظر فنی: محسن فاضلی

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۱۰۰ جلد

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۷۷-۶۹-۵

مرکز پخش: تهران، میدان انقلاب، خ منیری جاوید، پلاک ۹۲

تلفن: ۶۶۹۷۳۹۶۰ کتابفروشی رسولی (چراغ دانش سابق)

فهرست مطالب

پیشگفتار	۹
مقدمه	۱۵
فصل اول	۱۹
زمینه های شکل گیری صلاحیت کیفری بین المللی	۱۹
مبحث اول : پدیده مجرمانه بین المللی و اعمال صلاحیت در مورد آن	۲۱
گفتار اول : پدیده ی مجرمانه بین المللی	۲۱
بند اول : مفهوم جنایت بین المللی	۲۱
بند دوم : مسئولیت کیفری بین المللی	۲۳
گفتار دوم : نحوه های اعمال صلاحیت در مورد پدیده ی مجرمانه بین المللی	۲۴
بند اول : اصل صلاحیت جهانی	۲۴
بند دوم : صلاحیت بین "علی"	۲۷
مبحث دوم : صلاحیت کیفری بین المللی موردی	۳۱
گفتار اول : صلاحیت کیفری فاتحان : بحث یا صلاحیت کیفری بین المللی ؟	۳۱
بند اول : دادگاه کیفری بین المللی نورنبرگ	۳۱
بند دوم : دادگاه کیفری بین المللی توکیو	۳۶
گفتار دوم : مشروعیت تشکیل دادگاه بین المللی : بحث سازمان ملل متحد	۳۸
بند اول : دادگاه کیفری بین المللی برای یوگسلاوی سابق	۳۹
بند دوم : دادگاه کیفری بین المللی برای رواندا	۴۳
مبحث سوم : صلاحیت کیفری بین المللی دائمی	۴۵
گفتار اول : ایجاد صلاحیت کیفری بین المللی دائم	۴۶
بند اول : اقدامات بیش از کنفرانس رم	۴۶
بند دوم : جدال صلاحیت در کنفرانس رم	۵۱
گفتار دوم : افق های صلاحیت در دیوان کیفری بین المللی	۵۴
مبحث چهارم : قلمرو زمانی اعمال صلاحیت محاکم کیفری بین المللی	۵۹
گفتار اول : تحلیل صلاحیت زمانی در اساسنامه دادگاه های بین المللی	۵۹

- بند اول : صلاحیت زمانی دادگاه های موردی ۵۹
- بند دوم : صلاحیت زمانی در پرتو جنایات واقع شده ۶۰
- بند سوم : صلاحیت زمانی معین ۶۱
- بند چهارم : صلاحیت زمانی دیوان کیفری بین‌المللی ۶۳
- گفتار دوم : ملاحظات عملی اعمال صلاحیت زمانی دیوان کیفری بین‌المللی ۶۶
- بند اول : جرایم مستمر و مرکب ۶۷
- بند دوم : مقررات انتقالی ۶۸
- بند سوم : صلاحیت موردی دیوان ۷۱
- بند چهارم : آماره گرد ۷۳

فصل دوم ۷۵

- اصول حاکم بر صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی ۷۵
- مبحث اول : تعیین مبنای صلاحیت ۷۷
- گفتار اول : اصل صلاحیت جهانی و دیوان کیفری بین‌المللی ۷۷
- بند اول : صلاحیت جهانی مناسب ترین مبنا برای دیوان کیفری بین‌المللی ۷۷
- گفتار دوم : ارتباط دیوان کیفری بین‌المللی با حاکمیت و ترات ها ۸۵
- بند اول : صلاحیت یک درجه ای ۸۶
- بند دوم : صلاحیت جهانی یا محدود ۸۶
- نظر موافقان ۸۷
- نظر مخالفان ۸۷
- تصمیم نهایی ۸۸
- مبحث دوم : صلاحیت تکمیلی و قابلیت پذیرش دعوا ۹۰
- گفتار اول : ارتباط دادگاه های بین‌المللی و دادگاه های ملی در امور کیفری ۹۰
- گفتار دوم : ارتباط دادگاه های بین‌المللی با دادگاه های ملی در نخستین اقدام ها ۹۳
- بند اول : معاهده صلح و رسای ۹۳
- بند دوم : اساسنامه دادگاه های نورمبرگ و توکیو ۹۵
- بند سوم : کنوانسیون پیشگیری و مجازات نسل زدایی ۹۵



گفتار سوم : ارتباط دادگاه های یوگسلاوی سابق و رواندا با دادگاه های ملی	۹۶
مبحث سوم: صلاحیت سرزمینی	۹۸
گفتار نخست: جایگاه صلاحیت سرزمینی در اجرای عدالت کیفری بین المللی	۱۰۲
بند اول : صلاحیت سرزمینی در اولین تجربه اجرای عدالت کیفری بین المللی	۱۰۲
بند دوم : صلاحیت سرزمینی مبنای اعمال صلاحیت دادگاه های یوگسلاوی سابق و رواندا	۱۰۳
بند سوم : صلاحیت سرزمینی مبنی مهم اما غیر منحصر تعیین صلاحیت در دیوان کیفری بین المللی	۱۰۵
گفتار دوم: ملاحظات عملی اعمال صلاحیت سرزمینی در دیوان کیفری بین المللی	۱۰۶
بند اول : وقوع جنایت در قلمرو چند دولت	۱۰۶
بند دوم : وقوع جنایت در مناطق آزاد	۱۰۸
بند سوم : فرار از سرزمین و اصلاحی	۱۰۹
مبحث چهارم: صلاحیت شخصی	۱۱۱
گفتار اول : صلاحیت شخصی در محاکم کیفری بین المللی	۱۱۳
بند اول : دادگاه های نورمبرگ و هیوگو	۱۱۳
بند دوم : دادگاه های یوگسلاوی سابق و رواندا	۱۱۶
بند سوم : دیوان کیفری بین المللی	۱۱۷
گفتار دوم: قلمرو اعمال صلاحیت دیوان در امور خاص	۱۱۹
بند اول : اشخاص حقوقی	۱۱۹
بند دوم : اطفال و نوجوانان	۱۲۱
بند سوم : دارندگان مصونیت	۱۲۳
مبحث پنجم : جنایات جنگی	۱۲۵
گفتار اول : جنایات جنگی در اساسنامه دادگاه های نورمبرگ و توکیو	۱۲۷
گفتار دوم : جنایات جنگی در اساسنامه دادگاه های یوگسلاوی سابق و رواندا	۱۲۸
گفتار سوم : جنایات جنگی در اساسنامه دیوان کیفری بین المللی	۱۲۹
بند اول : نقض های فاحش قراردادهای ژنو	۱۲۹
بند دوم : نقض های فاحش قوانین و عرف های مسلم حقوق بین الملل حاکم بر منازعات مسلحانه بین المللی	۱۳۰

بند سوم: نقض‌های فاحش ماده ۳ مشترک قراردادهای ژنو در مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی ۱۳۳

فصل سوم..... ۱۳۵

نتیجه‌گیری و پیشنهادات..... ۱۳۵

منابع و مآخذ..... ۱۵۵

منابع فارسی..... ۱۵۷

الف. کتاب‌ها..... ۱۵۷

ب. مقاله‌ها..... ۱۵۹

منابع انگلیسی..... ۱۶۴

پیشگفتار

صلاحیت به شایستگی، اقتدار و توانایی یک مرجع در رسیدگی به موضوع یا موضوعاتی که قانونگذار به آن مرجع اعم از قضایی و یا غیر قضایی تفویض نموده است گفته می شود. به عبارت دیگر صلاحیت را می توان « اختیار قانونی یک مامور رسمی برای انجام پاره ای از امور مانند صلاحیت دادگاهها و صلاحیت مامور دولت در تنظیم سند رسمی » دانست. در خصوص صلاحیت کیفری یکی از حقوقدانان کیفری آن را بدین شرح تعریف نموده است « صلاحیت کیفری می توان به توانایی و شایستگی قانونی و نیز تکلیف مرجع قضایی به رسیدگی به یک دعوی کیفری تعبیر نمود ». « معمولاً مراجع اختصاصی با حکم خاص قانون و مراجع عمومی با حکم عام قانون صلاحیت رسیدگی به دعاوی را پیدا می کنند ». در باب صلاحیت دادگاهها می توان صلاحیت مراجع کیفری را به صلاحیت ذاتی، محلی، اضافی و شخصی تقسیم نمود. در مورد صلاحیت دیوان کیفری بین المللی می توان صلاحیت دیوان را با توجه به اصطلاحات رایج در بین حقوقدانان کیفری بین المللی به صلاحیت موضوعی (ذاتی)، تکمیلی، زمانی و شخصی تقسیم نمود در این کتاب هر یک از این صلاحیت ها بررسی خواهد شده و با صلاحیت دیگر محاکم بین المللی مقایسه خواهد شد.

صلاحیت دیوان کیفری بین المللی محدود به - جرائم بین المللی یعنی جنایت نسل زدایی، جنایت جنگی، جنایات علیه بشریت و جنایات تجاوز است. در حال حاضر نیز اعمال صلاحیت در مورد جنایت اخیر امکان پذیر نمی باشد، اما مستر که مطابق جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت و فقدان شرط آستانه در مورد جنایات جنگی می شود مهمترین موارد نقض حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه بین المللی از ضمانت های کیفری برخوردار باشند و امکان تعقیب مرتکبان نقض این حقوق، به هنگام عدم تمایل یا فقدان قدرت دولت های ملی صلاحیت دار، بر دیوان یاد شده مهیا شود. در همین راستا نگرانی ناشی از توسعه کمی جنایات مذکور و نیز محدود بودن امکانات نیروی انسانی و مالی دیوان جهت تعقیب این جنایات و همچنین بیم دولت ها از مداخله دیوان در امور داخلی آن ها با اصل صلاحیت

تکمیلی و معیارهای پیش‌بینی شده جهت قابلیت پذیرش دعوی در دیوان پاسخ داده شده است؛ بدین منظور است که دیوان نه به عنوان جایگزین بلکه در مقام مکمل دادگاه‌های صلاحیت دار ملی، به هنگام ناتوانی و یا عدم تمایل این دادگاه‌ها در رسیدگی به مهمترین موارد نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی، توسعه صلاحیت دیوان را بیش از آن چه هست ضروری می‌نماید. امید است توافق مجمع دولت‌های عضو اساسنامه در کنفرانس بازنگری در خصوص شرایط اعمال صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی نسبت به جنایت تجاوز، پذیرش اصل صلاحیت جهانی به عنوان مبنای تعیین صلاحیت دیوان، توسعه صلاحیت موضوعی این دیوان، به جنایت مهمی مانند تروریسم و استفاده از سلاح‌های اتمی و همچنین گسترش تعریف جنایت نژادی به گروه‌های سیاسی و اجتماعی، موجبات اقتدار بیشتر دیوان را فراهم آورد.

بر خلاف حقوق داخلی که قانونگذار ۱- در اعطای صلاحیت به هر محکمه مراقبت دارد که از ایجاد صلاحیتهای موازی دادگاهها اجتناب نماید، در جامعه دولتها به مقتضای اصل حاکمیت هر دولتی مطابق با مصالح سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خود به تبیین و تعیین جرائم و تعریف صلاحیتهای محاکم داخلی خود مبادرت می‌نماید. این البته بدان معنا نیست که دولتها در تعریف صلاحیتهای محاکم خود از هیچ قاعده‌ای پیروی نمی‌نمایند. در حقیقت دولتها در اعطای صلاحیت کیفری، معمولاً به دو اصل توجه دارند: اصل سرزمینی و ردن جرائم و اصل صلاحیت رسیدگی به جرائم ارتكابی توسط اتباع کشور بدین معنا که قوانین ملی به دادگاهها داخلی تکلیف می‌کنند که جرمی را که در قلمرو آن کشور ارتكاب یافته است تحت تعقیب و رسیدگی قرار دهند. ثانیاً در شرایطی جرائم ارتكابی توسط اتباع یک کشور حتی در قلمرو کشور بیگانه قابل رسیدگی در کشور متبوع مرتکب یا مرتکبین تلقی می‌گردد. با وجود این ممکن است محاکم ملی یک کشور صلاحیت رسیدگی به جرمی را داشته باشند که نه در قلمرو آن کشور و نه توسط اتباع آن کشور ارتكاب یافته است. این مورد به خصوص مربوط به جرائمی است که علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور رسیدگی کننده واقع شده

است. وجود چنین وضعیتی آنست که در جامعه دولتهای صلاحیت موازی مراجع ملی را به وجود می آورد و گاه موجب آن می گردد که رسیدگی به جرمی در صلاحیت دو محکمه ملی متفاوت قرار گیرد و هر کدام از آنها بدون توجه به صلاحیت محکمه دیگر خود را صالح به رسیدگی بدانند. علایقی که برای این وضعیت اندیشیده اند پیش بینی اجتناب از محکامه مضاعف در کنوانسیونهای دو جانبه معاهدتهای قضایی است. به عبارت دیگر دولتها توافق می نمایند که چنانچه محکمه کشور طرف معاهده به جرمی رسیدگی نموده است به حکم صادره از آن محکمه اعتبار امر مختومه ببخشند. نظیر همین راه حل در بند ۷ ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی سال ۱۹۶۷ که دولت ایران نیز در سال ۱۳۵۴ بدان پیوسته است نیز پیش بینی شده است. باید توجه داشت که راه حل مزبور راه حل تعارض صلاحیتها نیست یعنی راه حلی نیست که بر اساس آن تعارض صلاحیتهای دادگاهها از میان برداشته شود بلکه مربوط به زمانی است که دادگاهی خود صلاحیتدار دانسته و به جرمی رسیدگی نموده و حکم صادر کرده است. در این هنگام قاعده عدم جواز محاکمه مضاعف مانع از صلاحیت دادگاه دیگر می شود. بنابراین تعارض دادگاهها در رتبه ایجاد حل نمی شود بلکه پس از اعمال صلاحیت توسط یک دادگاه از دادگاه دیگر نفی صلاحیت می گردد نتیجه آنکه هنوز راه حلی برای تعارض صلاحیتهای محاکم ملی - در مرحله ایجاد - وجود ندارد.

این وضعیت منحصر به روابط بین محاکم ملی نیست. صلاحیت موازی بین یک دادگان بین المللی و محاکم ملی نیز ممکن الوقوع است، به عبارت دیگر شکل یک دادگاه بین المللی و یک محکمه ملی چگونه باید حل شود؟

با وجود آنکه عده ای بر این باور بوده اند که اصل حاکمیت دولتها منع از آن است که مقررات مربوط به اعمال صلاحیت دادگاههای ملی توسط مراجع بین المللی نقض گردد، غالب حقوقدانان بین المللی از این نظر حمایت نموده اند که قواعد حقوق بین الملل برتر از قواعد حقوق داخلی دولتهاست و بدین لحاظ هر گونه تعارض بین قواعد حقوق بین الملل و قواعد ملی همواره می بایست به نفع قواعد حقوق بین الملل حل شود. نتیجه آنکه تعارض

صلاحیت دادگاه ملی و دادگاه بین‌المللی همواره به نفع دادگاه اخیر الذکر باید حل شود. پاره ای از کشورها برتری قواعد حقوق بین‌الملل و به طور مشخص قواعد حقوق معاهدات را نسبت به قوانین ملی در قانون اساسی نیز متذکر شده اند. اما برتری یا عدم قواعد حقوق بین‌الملل و به طور مشخص صلاحیت دادگاه بین‌المللی نسبت به دادگاه داخلی نزاعی است که در فقدان قواعد خاص حل تعارض باید بدان اندیشید. به عبارت دیگر در شرایطی که مرجع یا مراجع اعطاء کننده صلاحیت به مسأله تعارض صلاحیتها اندیشیده و قاعده خاص حل تعارض ارائه نمودند، باید را محل تعارض مراجعه به قاعده خاص حل تعارض است. این وضعیتی است که در تعارض مرجع ک ری بین‌المللی و مراجع ملی شاهد آن هستیم. به بیان دیگر ملاحظه منشور یا اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی که تا کنون تشکیل گردیده اند نشان می‌دهد که با نیاز این محاکم به مسئولیت تعارض صلاحیت دادگاه بین‌المللی با محاکم ملی توجه نموده اند.

اولین دادگاههای کیفری بین‌المللی که متوجه رسیدگی به جرائم بین‌المللی را به عهده گرفتند دادگاههای نورنبرگ و توکیو بودند که به موجب منشور لندن در سال ۱۹۴۵ توسط ۴ کشور فاتح تشکیل گردیدند.

ماده ۶ «منشور دادگاه بین‌المللی نظامی» نورنبرگ دادگاه ویژه را به رسیدگی به جرائم علیه صلح، جرائم جنگی و جرائم علیه بشریت که افراد و سازمانهای رایش سوم در جریان جنگ دوم جهانی مرتکب شده بودند مأمور نمود. متفقین دادگاه نظامی بین‌المللی دیگری نیز به همین منوال در توکیو به منظور محاکمه متهمین ژاپنی تشکیل دادند.

دادگاههای نورنبرگ و توکیو ویژگیهای مربوط به خود را داشتند هر دو دادگاه را فاتحان جنگ و نه مرجع یا مراجع بین‌المللی تشکیل دادند. صلاحیت هر دو دادگاه هم از نظر تاریخی و هم از نظر جغرافیایی محدود بود. هر دو دادگاه صلاحیت رسیدگی به جرائم اشخاص حقیقی و حقوقی معینی را داشتند و قوه قهریه هر دو دادگان نیز قوای نظامی دولتهای فاتح بود.

این ویژگیها دادگاههای مزبور را از دیوان کیفری بین‌المللی که در شرف تأسیس است جدا می‌سازد. دیوان، دائمی است و محدوده جغرافیایی نیز ندارد. دیوان به موجب معاهده ای بین‌المللی تأسیس می‌شود و تنها صلاحیت رسیدگی به جرائم اشخاص حقیقی را خواهد داشت و بالاخره قوه قهریه دیوان قوای حاکم دولتهای عضو است.

با این اوصاف، منشور نورنبرگ امکان رسیدگی به جرائم جنایتکاران جنگ دوم جهانی در محاکم ملی را از نظر دور ننموده بود. مواد ۱۰ و ۱۱ منشور بر صلاحیت محاکم ملی دولتهای عضو در رسیدگی به جرائم اشخاص گروهها یا سازمانهای جنایتکار، بادر نظر گرفتن محاکمات نورنبرگ تأکید کرده بود دادگاههای نورنبرگ و توکیو پس از پایان محاکمات به کار خود نیز پایان دادند.

در سال ۱۹۹۹ به دنبال جنایاتی که در قلمرو کشور یوگسلاوی سابق واقع گردید دادگاهی به نام «دادگاه بین‌المللی برای تعقیب اشخاصی که مسئول نقض فاحش حقوق بشر دوستانه بین‌المللی در قلمرو یوگسلاوی سابق از سال ۱۹۹۱ می‌باشند، توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد تشکیل گردید شورای امنیت دادگاه ششایی نیز در سال ۱۹۹۴ به موجب قطعنامه شماره ۹۵۵ (۸ نوامبر ۱۹۹۴) به استناد فصل ۷ منشور ملل متحد و با توجه به درخواست دولت رواندا برای رسیدگی به جنایاتی که در کشور مزبور ارتکاب یافته بود تشکیل داد.

اساسنامه دادگاه یوگسلاوی سابق و دادگاه رواندا با تصریح به صلاحیت موازی دادگاه بین‌المللی و محاکم ملی، مقرر نموده‌اند که رسیدگی در دادگاه بین‌المللی برتر و دارای اولویت است. پژوهش پیش‌رو اجمالی درباره منشأ حقوقی و صلاحیت دادگاه بین‌المللی رسیدگی به جنایات ارتكابی و تطبیق آن با دادگاه نورنبرگ و دیوان کیفری بین‌المللی باشد. بر خوانندگان پوشیده نیست که دادگاه یوگسلاوی از نخستین دادگاه کیفری بین‌المللی است که پس از تأسیس سازمان ملل متحد تشکیل شد و به عنوان نهادی فرعی از شورای امنیت، به امر تعقیب و مجازات جنایتکاران در قلمرو یوگسلاوی سابق همت گماشت. این دادگاه بر پایه اساسنامه‌ای نسبتاً منسجم و جامع که دبیر کل سازمان ملل متحد به شورای امنیت عرضه



کرد و این شورا آن را به تصویب نهایی رساند، صلاحیتی بین‌المللی در محاکمه و مجازات جنایتکاران جنگی و ناقضان حقوق بشر یافت. دادگاه نورمبرگ در مقایسه با دادگاه یوگسلاوی سابقه بیشتری دارد، اما اعتبار و مشروعیت بین‌المللی دادگاه یوگسلاوی از دادگاه نورمبرگ بسی افزون‌تر است؛ چرا که دادگاه نورمبرگ منبعث از توافق دول فاتح جنگ دوم جهانی است. اعتبار بین‌المللی آن در حاله‌ای از ابهام و تردید قرار دارد. تصویب اساسنامه دادگاه یوگسلاوی از حمایت افکار عمومی برخوردار بود و این امر را آشکار ساخت که اراده جهانی در مبارزه با جنایتکاران بین‌المللی و متجاوزان به حقوق بشر دوستانه بسیار جدی است. این اراده و عزم جهانی نهایتاً در قالبی ماندگار و مستقل تجسم یافت و دیوان کیفری بین‌المللی را که نهاد کیفری دائمی و مستقل بین‌المللی است، خلق کرد؛ نهادی که مولود شرکت‌کنندگان در سمفونی رم می‌باشد. بی‌شک در مقایسه‌ای ساده بین اساسنامه دادگاه‌های نورمبرگ، یوگسلاوی و دیوانه روند تکاملی دادگاه کیفری بین‌المللی اعتراف خواهیم نمود؛ دادگاهی که پس از جنگ جهانی دوم تنها بر پایه توافق چند جانبه بین دول فاتح تأسیس شد؛ در گام بعدی خود به عنوان نهادی فرعی از شورای امنیت سر برآورد و در نهایت به دادگاهی مستقل و دائمی تبدیل شده است. شروع به کار جدی دیوان تأثیری شگرف در برقراری عدالت کیفری بین‌المللی به جای خواسته‌ها و در تحقق نظم نوین جهانی و یکپارچگی و وفاق جامعه بین‌المللی - که به دهکده جهانی معروف شده است - نقشی کلیدی ایفا خواهد کرد. هرچند برخی از کشورهای ابرقدرت با زیره یالات متحده آمریکا موانع جدی بر سر راه تشکیل و ادامه حیات دیوان کیفری بین‌المللی ایجاد نموده‌اند، با اطمینان می‌توان گفت که سیل بنیان‌کن عدالت خواهی و بشر دوستانه جدید هرگونه مقاومت لجوجانه و قلدرانه را درهم خواهد شکست و بشر شاهد فعالیت چشمگیری دادگاهی بین‌المللی برای رسیدگی جنایت علیه بشریت خواهد بود.

از آنجاییکه یکی از روشهای طرح دعوی و تشکیل پرونده در دیوان کیفری بین المللی، ارجاع موضوع از جانب یکی از دول عضو می باشد (به شرط آنکه جرم در یکی از دولت های عضو رخ داده باشد و یا مجرم تبعه ی یکی از دولت های عضو باشد) و به طور طبیعی دعوی علیه یکی دیگر از دولت ها مطرح خواهد شد. بنابراین رابطه ای حقوقی ایجاد خواهد شد که در آن دولتی علیه دولتی دیگر (در واقع دولتی علیه تبعه ی دولتی دیگر) طرح دعوی نموده است؛ گویی اختلافی میان دو دولت واقع شده که این اختلاف در قالب یک شکایت جزایی در دیوان کیفری بین المللی مورد حل و فصل قرار خواهد گرفت. در نتیجه بررسی صلاحیت های دیوان از این دیدگاه می تواند مرتبط با نظام بین المللی حل و فصل اختلافات بوده که از اهمیت فراوانی نیز برخوردار می باشد. در بحث حل و فصل اختلافات بین المللی (هم در روش های سیاسی و هم در روش های حقوقی) مهمترین اصل، رضایت است و این یعنی تراضی طرفین در باره ی انتخاب روش حل اختلافات میان خود، که در راستای حق حاکمیت ملی دولت ها می باشد. حال پرسش اینجاست که در دیوان کیفری بین المللی که در اصل وظیفه ی رسیدگی به برخی از جرایم جزایی و تخلفات کیفری را دارا است وضعیت اصل رضایت و رعایت حق حاکمیت دولت ها چگونه است؟ مینظور بحث مصونیت سران و سایر مقامات دولتی که این نیز در راستای حق حاکمیت ملی دولت ها می باشد، به چه ترتیب می شود؟ همچنین اینکه در اساس کدام دسته از جرایم و تحت چه شرایطی در حیطه ی صلاحیت دیوان قرار می گیرد؟ و نیز اینکه رابطه ی میان شورای امنیت سازمان ملل متحد و دیوان کیفری بین المللی لاهه چگونه است؟ پاسخ به تمامی این پرسش ها در بخش هایی از این دست در قالب بررسی انواع و چگونگی صلاحیت های دادگاههای کیفری بین المللی در این کتاب مورد رسیدگی قرار می گیرد.

تشکیل یک دیوان کیفری بین المللی سألهاست که مورد توجه و استقبال مردم جهان قرار گرفته است و جامعه جهانی نیز برای حفظ صلح و امنیت بین المللی و بشری از دیرباز در پی

تشکیل چنین دیوانی بوده است. تا اینکه جنگ جهانی اول رخ داد که در طول چهار ساله این جنگ جنایات متعددی علیه بشریت جنکلی از سوی دولت آلمان به وقوع پیوست که متعاقب آن تصمیم به محاکمه و مجازات جنایتکاران گرفته شد اما بدلیل ملاحظات سیاسی و عدو وجود ضمانت اجرای کافی، هرگز عملی نگردید، تا اینکه جهان بار دیگر شاهد جنایتهایی در مقیاس وسیع‌تر از جنایتکاران در نظر گرفت بنام "دادگاه بین‌المللی نورنبرگ" که متعاقب آن دادگاه نظام بین‌المللی توکیو برای محاسبه سران ژاپنی و دادگاه را شتاب بعد از ایندو تشکیل شد. اما با فوایدی بلوک شرق همگان را تصور بر این بود که از این به بعد دنیا در صلح و آرامش به‌رور از اضطراب و تنش قرار خواهد گرفت ولی این جنایات واقع شده در یوگوسلاوی سابق و رومانی، سازمان ملل متحد در یک اقدام بی‌سابقه با استناد به فصل هفتم منشور مباردت به تشکیل دیوان کیفری بین‌المللی برای ناقضین شدید حقوق بین‌الملل بشر دوستانه در قلمرو یوگوسلاوی سابق و رومانی، اقدام نمود. از طرف دیگر کمیسیون حقوق بین‌الملل (ILC) که از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد بعد از دادگاه نورنبرگ مأمور تهیه و تدوین اساسنامه‌ای برای تشکیل یک دیوان کیفری بین‌المللی برای رواندا ارتباط مستقیمی به اقدامات کمیسیون حقوق بین‌الملل نداشته اما تشکیل این دادگاه و دیگر محاکم ویژه از جمله دادگاه نورنبرگ و توکیو، مبنای تشکیل دیوان کیفری بین‌المللی به تصویب نمایندگان نام‌الاختیار دولتها رسید، اساسنامه دیوان متضمن اصول اساسی دولتی در مورد نحوه رسیدگی و دادگاه صلح برای محاکمه و مجازات جنایتکاران بین‌المللی است، با تشکیل این دادگاه که به صورت دائمی است، کدام از دولتهای عضو اساسنامه و شورای امنیت می‌توانند تسلیم نمایند. دادستان دادگاه به محض دریافت شکایت و با کسب مجوز از سوی تهیه مقدماتی دیوان شروع به تحقیق می‌کند و اگر پس از تحقیقات به این نتیجه برسد که موارد قابل تعقیبی وجود دارد. کیفرخواستی علیه شخص یا اشخاص که مرتکب جنایات تحت صلاحیت دیوان شده‌اند. به شعبه مقدماتی ارسال می‌کند. شعبه مزبور پس از تایید اتهام یا اتهامات آنرا برای رسیدگی به شعبه بدوی ارجاع می‌دهد، احکام شعبه بدوی قابل تجدید نظرخواهی نزد سببه



تجدید نظر خواهد بود. این کتاب تحت عنوان صلاحیت دیوان کیفری بین المللی و مقایسه آن با سایر محاکم بین المللی می باشد و به دلیل عدم وجود پژوهش هایی در این زمینه و نیاز مبرم جهت حل تعارض میان صلاحیت این محاکم بین المللی وجود یک پژوهش در این زمینه مهم احساس شده فلذا از اهمیت زیادی برخوردار می باشد. آرزوی ما داشتن جوامعی چه در سطح داخلی و چه در سطح بین المللی، مملو از صلح، آرامش، آسایش و عدالت است.

www.ketab.ir